بسم‌الله الرحمن الرحیم

[مفهوم وصف 2](#_Toc434259299)

[استدلال چهارم 2](#_Toc434259300)

[تنقیح بحث 2](#_Toc434259301)

[موارد امکان حمل مطلق بر مقید 2](#_Toc434259302)

[مورد عدم امکان 2](#_Toc434259303)

[تنقیح بحث 3](#_Toc434259304)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc434259305)

[پاسخ استدلال فوق 3](#_Toc434259306)

[پاسخ اول 3](#_Toc434259307)

[پاسخ دوم 4](#_Toc434259308)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc434259309)

# مفهوم وصف

# استدلال چهارم

سخن پیرامون مفهوم وصف بود، سه استدلال برای اثبات مفهوم وصف مرور شد. استدلال چهارم این است که اگر وصف دارای مفهوم نباشد، حمل مطلق بر مقید صحیح نیست درحالی‌که این حمل موردقبول و قانون مسلم است. لذا وصف دارای مفهوم است.

# تنقیح بحث

چند نکته در مقدمه لازم است بیان شود؛

# موارد امکان حمل مطلق بر مقید

در نسبت بین مطلق و مقید کلام صحیح این است که در دو حالت باید مطلق را حمل بر مقید کرد و در یک صورت این حمل ممکن نیست. یکی از موارد امکان حمل درجایی است که مطلق و مقید مثبت و نافی باشند، لحن یکی ایجابی و دیگری سلبی باشد. مانند اکرم العالم و لا تکرم العالم الفاسق؛ لذا اکرام العالم از اطلاق خود خارج می‌شود.

حالت دوم این است که لسان هر دو یکی باشد؛ هر دو ایجابی یا سلبی باشد اما ما می‌دانیم مولا در عالم واقع یک حکم بیشتر ندارد. مانند اکرم العالم، بعد گفته شده است که اکرم العالم العادل، این مورد نیز از مواردی است که این حمل میسر است. اگر بدانیم که مولا یک تشریع و یک تقنین بیشتر ندارد، وحدت حکم اقتضاء می‌کند حمل مطلق بر مقید بشود.

این مطالب در اصول فقه و کفایه بیان‌شده و از شهرت به خصوصی برخوردار است. این قانون بسیار واضح است اما معمولاً افراد در این رابطه به‌اشتباه می‌افتند.

# موارد عدم امکان حمل مطلق بر مقید

حالت سوم، در موردی است که مطلق و مقید مثبتین یا نافیین باشند و ما دلیلی برای وحدت حکم نداشته باشیم. این صورت چند حالت را دربر دارد؛ چرا که فرض مثبتین و نافیینی است که احراز وحدت حکم در آنها نشده است که این می‌تواند دارای چندین حالت باشد؛ حال به تعدد حکم علم داریم و یا احتمال می‌دهیم. آنچه مسلم است، در اینجا این است که حمل مطلق بر مقید در اینجا صورت نمی‌گیرد.

# تنقیح بحث

این جمله که گفته می‌شود که حمل مطلق بر مقید مستلزم مفهوم وصف است که این استدلال از مرحوم شیخ بهایی نقل‌شده است، مقصود از آن قسم اول نیست چراکه در آنجا برای این حمل نیاز به مفهوم نداریم. احتمالاً نظر ایشان بیشتر به‌صورت دوم معطوف است. وجود این حمل در حالت دوم به خاطر وجود لسان نفی‌ای در آن است که گویا به حالت اول برمی‌گردد. چراکه صورت اول نفی و ایجابی را دربر داشت.

# نتیجه‌گیری

لذا حمل در این صورت در فرض حصول حالت سلبی است که به حالت اول بازمی‌گردد و هرچند به‌صراحت ایجاب و سلبی وجود ندارد، اما روح آن بدان بازمی‌گردد.

بنابراین یک بحث در دلیل چهارم این بود که حمل مطلق بر مقید در دو مورد اول برخلاف مورد سوم میسر است و در مورد دوم حمل به مورد اول بازمی‌گردد. تقریر صحیح مسأله این است، گاهی تقریرات دیگری از این مسأله ارائه می‌شود که ظاهراً صحیح نباشد.

## پاسخ استدلال فوق

## پاسخ اول

اما جوابی که می‌شود از این مسأله داد، این است که وقتی گفته می‌شود وصف دارای مفهوم نیست، یعنی در حالت طبیعی برای آن مفهوم وجود ندارد.

اما در مورد دوم که مفهوم دارد به خاطر شرایط خاص است که اطمینان داریم که حکم در اینجا واحد است و شارع در اینجا یک حکم بیشتر ندارد و اگر بخواهیم بر خلاف آن حملی را داشته باشیم با مانع مواجه خواهیم شد، لذا در این مواطن مطلق را بر مقید حمل می‌کنیم.

در جلسه گذشته می‌گفتیم در برخی موارد گاهی لحن متکلم به کلام مفهوم می‌دهد، این محال عقلی نیست، اما این حالت از ظهور کمتری برخوردار است.

## پاسخ دوم

جواب دوم این است در اینجا که مطلق بر مقید حمل شده است، باز در اینجا مفهوم وجود ندارد. چراکه ما می‌گوییم یک حکم وجود دارد، اکرم العالم العادل حکم را به تمامه بیان می‌کند و دلیل دیگر گوشه‌ای از حکم را بیان می‌کند. یعنی در اینجا نیاز به استخراج سلبی نداریم، بلکه می‌گوییم مولا در اینجا یک جعل بیشتر ندارد. لذا حکم در اینجا تنها عالم عادل است و دیگر نسبت به سایر زوایا ساکت است.

## اتخاذ مبنا

منتها در اینجا ما نظر میانه آقای خویی را در مفهوم وصف قبول می‌کنیم، یعنی قائلیم در اینجا مفهوم بینابینی وجود دارد. لذا حق در مسأله این است که در اینجا که وحدت حکم را می‌دانیم، ظهور عرفی آن این است که عالم عادل حکمی را دارد، ولی عالم بما هو هو دیگر حکمی به آن تعلق نمی‌گیرد و اگر با قید دیگری باشد نسبت به آن ساکت هست.

ما تفصیل آقای خویی را در این مورد بیشتر قبول داریم که جلوتر آن را تشریح خواهیم نمود. بحث دیگری از مرحوم آقای اصفهانی و تفصیل آقای خویی باقی‌مانده که ان شاء الله فردا بیان خواهد شد.